

کاہنامه ادبی

شکوه و اژدها



سال دهم



ویژه نامه
سالگرد شهادت
سردار پسپد حاج قاسم سليمانی
﴿﴾
«۱۳ دی»



گاهنامه ادبی شکوه و اژدها



موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی رشت
معاونت فرهنگی و انتشاراتی



سخن دیر :

در گذر تاریخ، ادبیات، زبانی مشترک، برای انسان‌ها بوده و به داشته‌های فرهنگی یک جامعه، اعتبار و ارزش می‌دهد.

موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی رشت در راستای ارتقا جایگاه ادبیات و ارج نهادن به آن، در صدد معرفی و نشر آثار فاخر در این صفحه می‌باشد.

امید آنکه بتوانیم در راستای این هدف والا و ارزشمند، قدمی به راستی برداشته و مورد توجه شما مخاطبان فرهیخته قرار گیرد.

سپیده ساجدی

دیر کانون شعر و ادب موسسه
مدیر مسئول گاهنامه ادبی
شکوه و اژدها



صاحب امتیاز: معاونت دانشجویی و فرهنگی

مدیر مسئول: سپیده ساجدی

زیر نظر شورای سردبیری

طرح صفحات و گرافیک: سروناز رحیمی دانش



۱) آلبوم عکس سردار دلها صفحه ۱-۳

۲) گفتگو با معاون محترم صفحه ۴-۶
(دانشجویی و فرهنگی موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی واحد رشت)

۳) آنچه آمریکایی‌ها نمی‌دانند صفحه ۷-۸

۴) باشاعران صفحه ۹-۱۰

۵) عطر شهادت صفحه ۱۱



۰۱۳-۳۳۴۴۸۹۹۴-۷

www.jdrasht.ac.ir

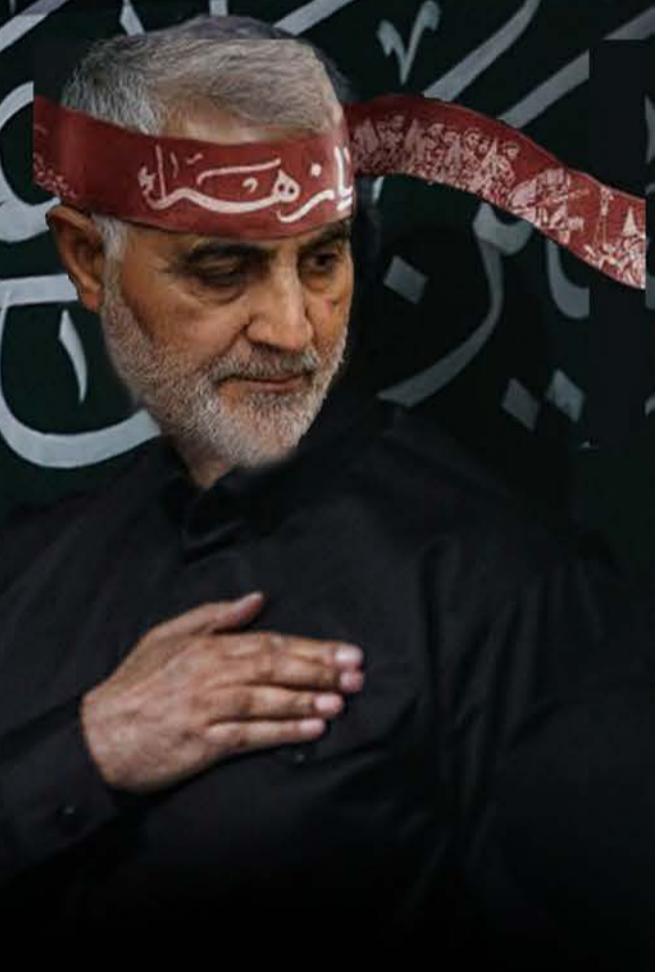
رشت، بلوار لakan، میدان ولایت،
مجتمع آموزشی-پژوهشی جهاد دانشگاهی گیلان

گاہنامه ادبی سکوه واژه ها

همراه خود دو چشم بسته آورده ام که ثروت آن در
کنار همه نایاکی ها، یک ذخیره ارزشمند دارد و آن
گوهر اشک بر حسین فاطمه است؛ گوهر اشک بر
اهل بیت است؛ گوهر اشک دفاع از مظلوم، یتیم،
دافع از محصور مظلوم در چنگ ظالم.



- بخشی ازوصیت نامه
شیبد سید قاسم سليمانی



خدایا ثروت چشمانم گوهر اشک دفاع از مظلوم است

همراه خود دو چشم بسته آورده ام که ثروت آن در
کنار همه نایاکی ها، یک ذخیره ارزشمند دارد و آن
گوهر اشک بر حسین فاطمه است؛ گوهر اشک بر
أهل بیت است؛ گوهر اشک دفاع از مظلوم، یتیم،
دافع از محصور مظلوم در چنگ ظالم.



- بخشی ازوصیت نامه
شیبد سید قاسم سليمانی

خدایا
ثروت چشمانم
گوهر اشک بر
حسین فاطمه است





گاہنامه ادبی سکوه واژه ها



موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی رشت
معاونت فرهنگی و انتشاری

آلوم عکس سردار دل ها



آلوم عکس سردار دل ها



آخرین وقت زنگ صاعق نام سیمای روسه ملادت قبل از شما را بشنید، با شما امضا، در سروری بجهت تسبیب

امن لام کننده

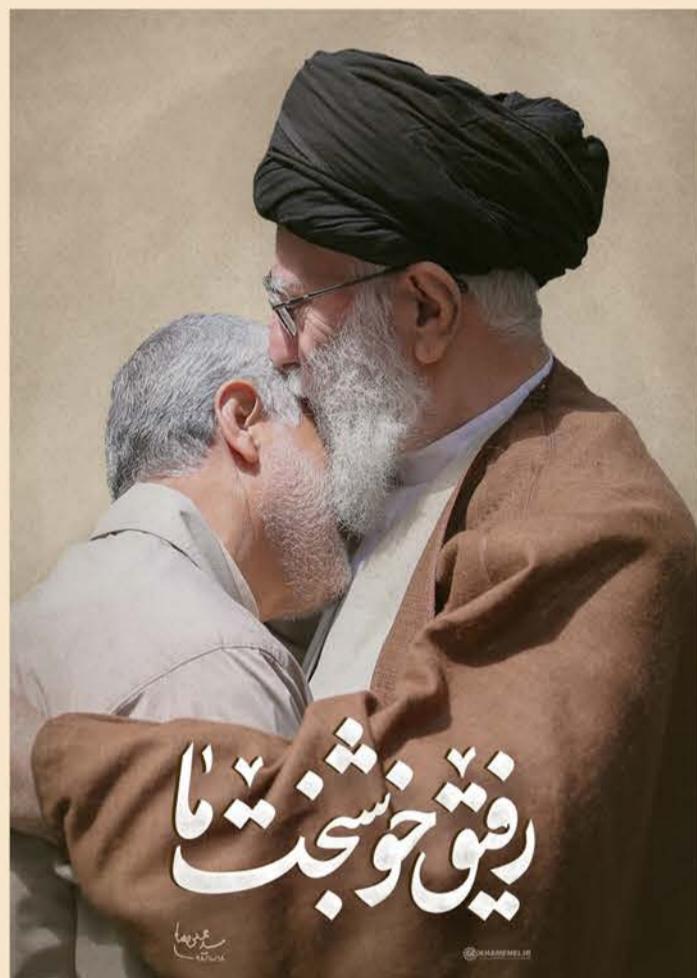


الحمد لله رب العالمين

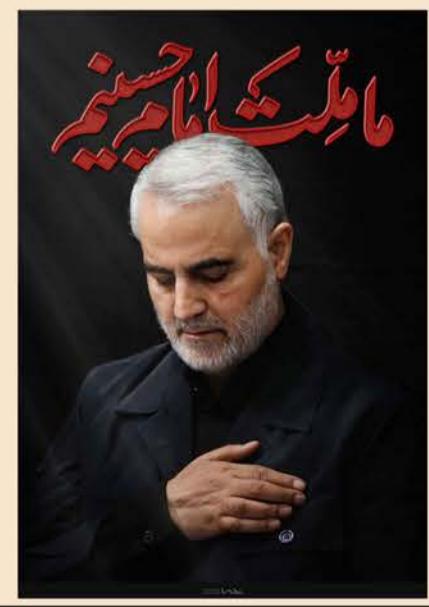
حَمْدُهُمْ لِعَزَّةِ كُرْبَلَاءِ وَمَذْكُورَهُمْ

صَدَقَ دِيْنَهُمْ عَلَيْهِمْ
دِيْرَمَهُمْ حَالَ دِيرَمَهُمْ
مَهْمَسَهُمْ مَهْمَسَهُمْ
رَأْيَهُمْ رَأْيَهُمْ
رَفْقَهُمْ رَفْقَهُمْ
صَدَرَهُمْ صَدَرَهُمْ
آتَاهُمْهُمْ آتَاهُمْهُمْ

۱۳۹۸ / ۰۱ / ۲۷

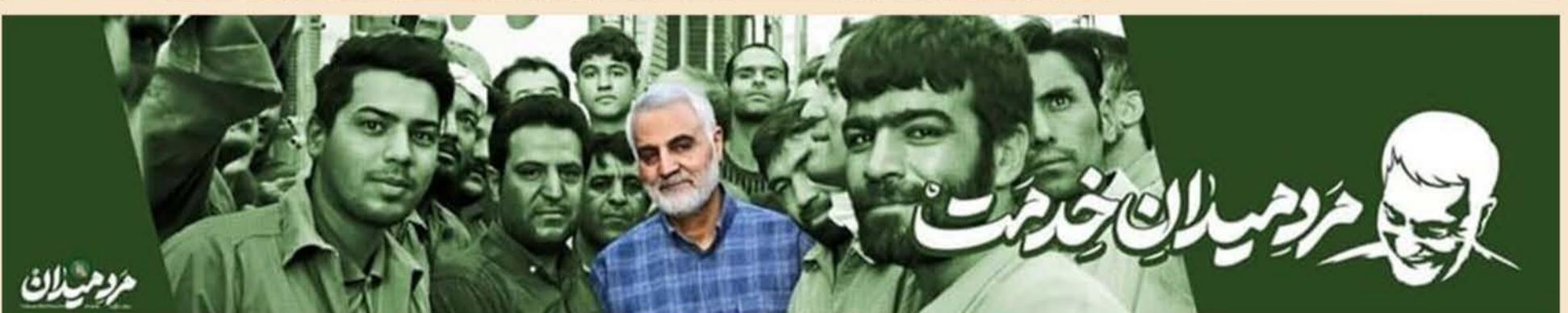
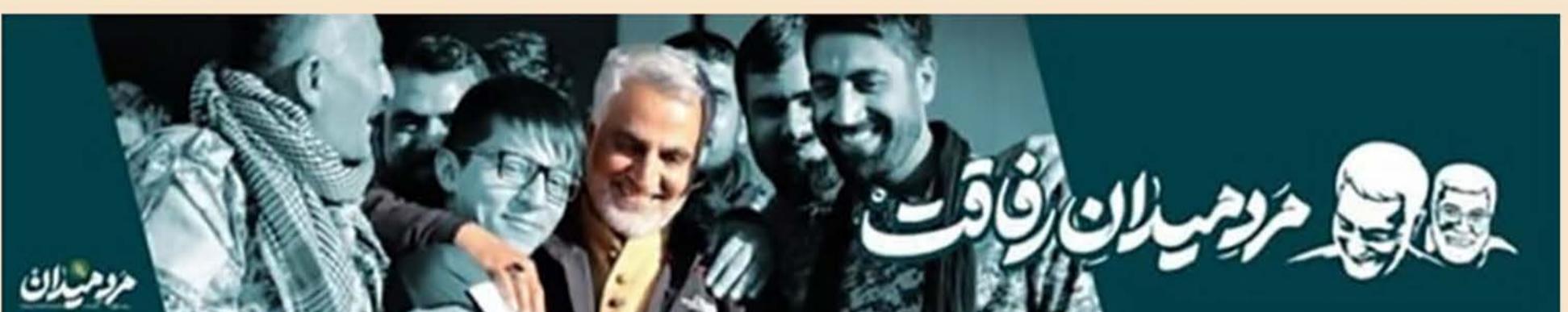


رفیق حسینیت



کاہنامه ادبی سکوه واژه ها

آلوم عکس سردار دل ها



گفتگو با معاون محترم

(معاون دانشجویی و فرهنگی موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی واحد رشت)

مهندس محمد شادپور



در اولین مصاحبه با مسئولین مؤسسه؛ میهمان معاون دانشجویی و فرهنگی موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی واحد رشت و مسئول بسیج اساتید سازمان جهاد دانشگاهی استان گیلان، جناب آقای محمد شادپور بودیم، اهل گفتگو، مباحثه و دل نگران برای دانشجویان و آینده‌ی آنها، با توجه به اینکه این شماره، به مناسبت اولین سالگرد شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی تدوین گردیده، بیشتر صحبت‌ها به سپهبد شهید مرتبه شد. ساده و بی تکلف؛ با ایشان به گفتگو نشستیم.

۱- از اینکه فرصتی دست داد، تا درباره فعالیت‌های فرهنگی - دانشجوی مؤسسه، و بسیج اساتید و علی الخصوص سردار شهید حاج قاسم سلیمانی به گفتگو بنشینیم سپاسگزاریم، در ابتدا با توجه به اهمیت فعالیت و برنامه‌های فرهنگی دانشجویی موسسه چه اهدافی را مدنظر قرار داده اید؟

بسم الله الرحمن الرحيم، پیش از ورود به بحث، سالگرد شهادت سردار دلها، حاج قاسم سلیمانی را به مردم شریف ایران و گیلان بخصوص جهادگران جهاد دانشگاهی گیلان تسلیت گفته و از اینکه ایران اسلامی چنین فرزندان رشید، مومن و مکتبی را در خود پرورش داده است، تبریک و تهنیت عرض می‌نمایم، از اینکه فرصتی فراهم آمده تا مختصراً درباره مجموعه فعالیت‌های صورت گرفته در حوزه‌ی دانشجویی- فرهنگی و هنری حوزه‌های فعالیت بسیج اساتید به گفتگو بنشینیم سپاسگزارم.

معاونت دانشجویی و فرهنگی یکی از محوری ترین و حساس ترین معاونت‌های موسسه است که ارتباط مستقیم با دانشجویان دارد. فلسفه وجودی و مأموریت اصلی این معاونت ایجاد بستری مطمئن برای مشارکت دانشجویان می‌باشد. نهادینه کردن و بکار گیری ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، دینی و انقلابی در موسسه و مشارکت دادن دانشجویان، اساتید و کارکنان در فعالیتها و برنامه‌های فرهنگی، هنری، سیاسی و ورزشی از اهداف این معاونت می‌باشد. یکی از اولین کاری که در موسسه انجام گرفت، هماهنگی و همکاری و تعامل بسیج دانشجویی، انجمن‌های علمی و کانونهای موسسه در فعالیت‌های فرهنگی، علمی، آموزشی و پژوهشی می‌باشد. این تعامل و همکاری منجر به پویایی تشكلها در موسسه شد، انشاء الله از این طریق و با کمک اساتید و همکاران بتوانیم در راستای اعتلای فرهنگ و علمی موسسه و بطور کلی میهن اسلامی قدمی برداشته باشیم.

کاہنامہ ادبی شکوه واژه ها

گفتگو با معاون محترم

(معاون انتجی و فرهنگی موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی رشت)

مهندس محمد شادپور



۲- بسیج اساتید جهاد دانشگاهی استان گیلان در چه حوزه های فعال می باشد؟

در پاسخ به سوال شما، باید عرض کنم که هدف از تشکیل بسیج اساتید، تحقق آرمان های حضرت امام خمینی (ره) و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب مبنی بر تحقق دانشگاه اسلامی و اشاعه تفکر بسیجی در دانشگاه ها بوده است. بسیج اساتید تلاش دارد تا زمینه جذب حداثتی همکاران دانشگاهی را فراهم سازد. مهمترین وظایف بسیج اساتید، بسط فرهنگ و تفکر بسیجی در هیأت های علمی دانشگاهها، دفاع از ارزش ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی، ارتقای معرفت و آگاهی دینی در راستای وحدت حوزه و دانشگاه و کمک به ایجاد زمینه مناسب برای تلاش های علمی و پژوهشی می باشد. که هر کدام از این عوامل می تواند در قالب گروه های علمی، فرهنگی و ... اجرای شود. برگزاری همایش های علمی، انتشار کتب دانشگاهی، کارگاه های آموزشی، تعامل با سایر نهادهای علمی و ... بخشی از پتانسیل و توانمندی هایی است که در بسیج اساتید وجود دارد.

اگر قرار است که در راستای اعتلای جایگاه بسیج حرکت کنیم، انتظار ما این است که در این مسیر تلاش صورت گیرد. اساتید بسیج باید برای حضور در میادین انقلاب اسلامی طرح دهند. ما باید برای تولید اقتدار ملی، بن بست شکنی، دستیابی به مرجعیت علمی و ایجاد راه های میانبر تلاش کنیم؛ چراکه این خواسته مقام معظم رهبری از ما است. از دیگر اهداف اصلی بسیج اساتید تحول درونی و اثر بخشی بیرونی می باشد. در مرحله اول باید شبکه سازی استادان دغدغه مند و انقلابی را از طریق ارتقا روش های جذب، آموزش، و تربیت نیرو در دستور کار قرار داد. لذا برای رسیدن به این اهداف تشکیل گروه های مسئله محور است. و در مرحله بعدی می توان به ایجاد نهضت تولید علم نافع در کشور و حاکم کردن روحیه جهادی و انقلابی در دانشگاه پرداخت. البته تمامی افرادی که در گروه های مسئله محور کار می کنند، در واقع سیاست گذاران آینده کشور هستند. این افراد در آینده و زمان تشکیل دولت انقلابی، وظیفه اجرا را بر عهده خواهند گرفت.

۳- در حوزه ای فعالیت های فرهنگی موسسه جهاد دانشگاهی رشت؛ چه افق هایی را برای آینده، مدنظر قرار داده اید.

در حوزه فعالیت های فرهنگی، آموزشی؛ که در آن مشغول به خدمت هستم، برنامه و اساس فعالیت هایی که تلاش برای اجرای نمودن آن داشته و دارم؛ ترویج فرهنگ و هنر اسلامی، برنامه ریزی فرهنگی و تربیتی و ایجاد آمادگی فکری و مکتبی در دانشجویان، در چارچوب سیاست های فرهنگی جهاد دانشگاهی می باشد.

۴- در آستانه هی سالگرد شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی قرار داریم، فرهنگ مقاومت چقدر در فضای علمی دانشگاه می تواند، تأثیرگذار و ماندگار باشد؟

در پاسخ به سوال شما؛ در ابتدا اشاره ای به کلام گهربار حضرت آقا می کنم. ایشان فرموده اند ((نیاز است که مكتب حاج قاسم در بخش های مورد نیاز در کشور برای تغییر رویکرد از سوی جامعه دانشگاهی مورد مطالعه و توجه جدی قرار گیرد)) کلام ایشان فصل الخطاب و روشنگر راهی است که باید در راستای آن کوشش نمود. مانیز در

کاہنامہ ادبی شکوه واژه ها

گفتگو با معاون محترم

(معاون انتجی و فرهنگی موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی واحد رشت)

مهندس محمد شادپور



۵- معاونت فرهنگی تاکنون در این راستا چه برنامه های را اجرای نموده است؟

در ابتدا باید متذکر شوم، متأسفانه با شیوع بیماری کووید-۱۹ و التزام به رعایت پروتکل های بهداشتی و عدم حضور دانشجویان، بسیاری از برنامه های مدون شده به مرحله ای اجرای نرسید. اما، با توجه به اهمیت موضوع، معاونت فرهنگی دانشگاه با همراهی و تعامل بی نظیر بسیج، انجمن های علمی و امکانات موجود توانست، تا جای ممکن، برنامه ها را اجرای نماید. یکی از برنامه هایی که به مرحله ای اجرای رسید، برگزاری تئاتر با محوریت جبهه مقاومت، دعوت از پدر و مادر شهید نوری هریس و تقدیر از آنها بود. همچنین، در مراسم چهل مین روز شهادت، سردار سلیمانی؛ با دعوت از اساتید و شاعران مطرح استانی مراسمی در قالب شعر، ادبیات مقاومت با محوریت شهید حاج قاسم سلیمانی، برگزار شد، که با استقبال خوبی در دانشگاه و فضای مجازی مواجه بودیم و انشالله همین مسیر را ادامه خواهیم داد و هر سال یادواره ای در قالب مختلف فرهنگی را برگزار خواهیم نمود.

۶- از منظر جنابعالی، دلیل ارادت و علاقه بسیار جامعه و شخصیت های فرهنگی و .. نسبت به سردار شهید در چه می دانید؟

تأثیر گذاری را نمی توان به سادگی و در یک جمله تعریف نمود. هنر بزرگ سردار شهید سلیمانی مواضع شفاف انقلابی، اخلاق و منش انسان و سادگی ایشان در برابر مردم، بگونه ای در این سال ها رفتار کرد که افکار عمومی هیچگاه او را از خود جدا نمی دیدند و نمی دانستند. از مهمترین دلایل محبوبیت و مقبولیت سردار حاج قاسم سلیمانی؛ اخلاص ویژه ایشان بود، در دوران دفاع مقدس با تمام وجود در تمام صحنه ها حاضر بوده و بعد از آن نیز جهاد و مبارزه را بدون هیچ چشم داشتی (سیاسی، اقتصادی و...) کنار نگذاشت، کما اینکه رهبر معظم انقلاب نیز؛ بر اخلاص ایشان تاکید داشته اند؛ که نشاندهنده آن است که در بسیاری از موضوعات کیفیت مهم تر از کمیت است. ابعاد شخصیت و محبوبیت ایشان بگونه ای است که تنها به مرزهای ایران محدود نمی شود، ما می بینیم که در دیگر کشورهای دنیا، ملت ها نسبت به شهادت ایشان واکنش نشان می دهند. امروز در کشورهای همچون عراق، لبنان، سوریه، یمن، بحرین، ترکیه، هندوستان و .. برای این شهید بزرگوار، مراسم های یادبود، برگزار می شود؛ متصور هستم، این واکنش ها نشاندهنده ای شخصیت منحصر به فرد سردار سلیمانی می باشد.

۷- مکتب سلیمانی چگونه می تواند در محیط علمی و دانشگاهی مفید یوده و در مسیر اجرا قرار گیرد؟

بی شک، اگر بتوان، روش زندگی، مبارزه، اخلاص و تعهد شهید سلیمانی را مورد بررسی قرار داد و متناسب با نوع نیازمندی، همچون یک محیط دانشگاهی، مسیری روشن در پیش رو خواهد بود، دلیل بکار بردن ترکیب (مکتب سلیمانی) از سوی حضرت آقا مبین این نگاه می باشد، مکتبی که می تواند؛ جامعیتی فراگیر داشته و نیازمندی های حرکت های علمی، فرهنگی و ... را پوشش دهد.

۸- از فرصتی که در اختیار نشریه (شکوه واژه ها) قرار دادید، سپاسگزاریم؛ در پایان اگر نکته ای مدنظر دارید، بفرمائید؟

در پایان، امیدوار هستم؛ انشالله پس از شکست ویروس کرونا و حضور دانشجویان عزیز و اساتید گرامی در مؤسسه؛ بتوانیم در فعالیت های متنوع و مختلف علمی و فرهنگی در کنار آنها بوده و در رشد، شکوفایی و خواست های علمی و فرهنگی دانشجویان، این قشر فرهیخته-ی جوان، موثر واقع شویم. از شما و همکاران-تان هم، در نشریه (شکوه واژه ها) تشکر می کنم و امیدوارم در رسالت فرهنگی که بر دوش

گرفته اید موفق و سریلند باشد.



آنچه امریکایی هانمی دانند

دکتر مرتضی حیدرزاده، مدرس دانشگاه



اینکه آمریکائی بر اساس چه معیارهایی در جهان، بر دولت‌ها، جوامع و افراد برچسب تروریست می‌زنند و در لیست کذای خود قرار می‌دهند، جدا از اینکه چقدر درست یا غلط است، در این نوشтар، مورد بحث نمی‌باشد. همچنین، معیارهای دولتمردان و جامعه‌ی سیاسی آمریکا در دسته بنده دوست و دشمن نیز، شاید از منظر خودشان درست به نظر می‌رسد! از سوی دیگر، تبیین سیاست‌های هر کشور مستقل منوط، به داشته‌ها، اعتقادات و فرهنگی است که ریشه در باورهای آن جامعه، به بالندگی رسیده است و در ظرف دیگری نخواهد گنجید. آینده هر کشوری در دستان صاحبان آن سرزمین می‌باشد و هر نوع دیگری از پذیرش می‌تواند خطر ساز و تطمیع کننده تلقی گردد.

بعد از جنگ جهانی دوم بواسطه خرابی‌های باقی‌مانده از جنگ، از بین رفتان اقتصاد و مشکلات بسیار قدرت‌های اروپایی، روسیه تزاری و دور بودن آمریکا از دایره جغرافیایی جنگ دوم بین الملل، سبب گردید تا آمریکا با سرعت بخشیدن به رونق اقتصادی و جذب نیروی کار ارزان بتواند قدرت خود را در جهان بسط دهد. تاریخ سیاسی آمریکا، بعد از جنگ جهانی دوم نشان می‌دهد، حضور این کشور در اغلب کشورهای جهان، حضوری سودمند نبوده است. جنگ در ویتنام، شبه جزیره کره، کشورهای حوزه‌ی کارائیب (السالوادور، پاناما، بلیز و ...) و مهمترین نقطه استراتژیک جهان، خاورمیانه؛ بزرگترین تامین کننده‌ی انرژی در جهان و نیاز آمریکایی که در مسیر قدرتمند شدن اقتصاد خود، به آن نیازمند بود. از سوی دیگر، افت پیر استعمار، بریتانیای کبیر و خروج از مناطق بسیاری از مستعمرات، فرصت را برای حضور آمریکا مهیا نمود و تا زمان حکومت پهلوی از فرصت بدست آمده در جهت بهره مندی از منابع نفتی استفاده کامل را ببرد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و قطع ارتباطات دیپلماتیک و بروز تنفس‌های بسیار، دیواری اعتمادی را چنان بلند نمود که در ظاهر دیگر راهی برای بازگشت وجود نخواهد داشت.

ایران پس از جنگ تحملی، آرام آرام قدرت خود را بازیافته، معادلات در منطقه تغییر کرده و ایران بعنوان قدرت منطقه‌ای در بالادستی قرار گرفته و هرگونه تحرك را زیر نظر گرفته است. بنابراین، برای حضور مجدد نیاز آمریکا به سناریو و داستان تازه بود. جنگ‌های داخلی افغانستان، حضور طالبان، وقایع ۱۱ سپتامبر، حضور نیروهای تکفیری با پرچم اسلام در خاک کشورهای مسلمان، فرصتی دوباره را برای نفوذ و حضور نظامی آمریکا، با ادله تأمین امنیت را بوجود آورد، با قدرت گرفتن طالبان در افغانستان، داعش در عراق و گذشت زمان، کنترل از دست آمریکایی‌ها خارج شد. برای ادامه دادن جنگ استراتژی خود را بر اساس هدف قرار دادن و حذف نمودن فرماندهان، سران داعش، طالبان و دشمنان آمریکا هدف گذاری نمودند.



کاہنامہ ادبی شکوه واژه ها



موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی رشت
معاونت فرهنگی و انتشاری

آنچه امریکایی هانمی دانند

دکتر مرتضی حیدرزاده، مدرس دانشگاه

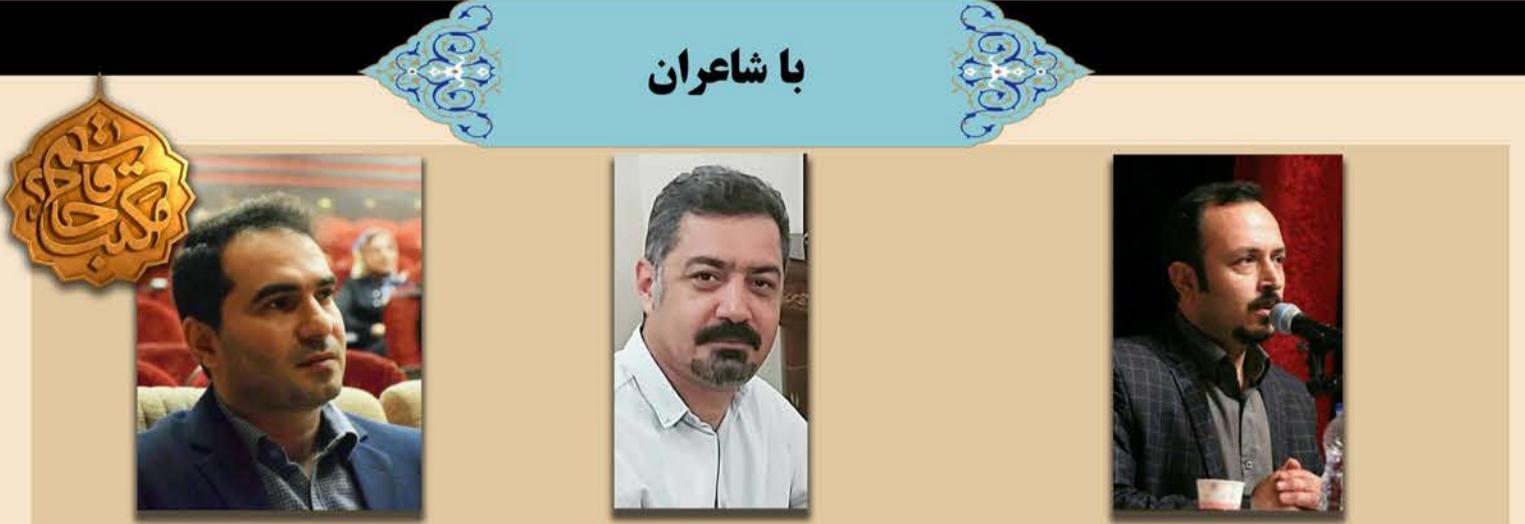
آمریکایی ها، بی آنکه به نتایج حضور ایران در مبارزه با تکفیری ها تحت فرماندهی سردار شهید سلیمانی، تأمل نموده و نسبت به جایگاه او در جامعه، تحقیق و شناختی حاصل کند؛ در ذهن خود، متصور بودند، با توجه به نتایج بدست آمده از ترور بن لادن، یافتن و اعدام صدام حسین، تلاش برای مرگ رهبران داعش و کمک در یافتن عمر قذافی، می توانند چنین رویه ای را در ایران نیز، اجرایی نمایند. ترور دانشمندان هسته ای، وقایع مختلف تروریستی در کشور نشان می داد، حوادث از مسیری دیگر در حال مدیریت و اجرا می باشد. اما، شهادت سردار سلیمانی، داستان متفاوتی داشت، عنصری که آمریکایی ها به آن فکر نکرده بودند. علاقمندی جامعه‌ی ایران و حضور گستردگی مردم در مراسم تشییع، تفاوت و جایگاه سردار سلیمانی در بین ایرانیان نشان می داد. نکته ای که بسادگی قابل تأیید و اثبات می نمود.

مردی ساده و بی ادعا، که در تمام طول جنگ تحملی، در کنار همزمان شهید اش، نفس به نفس می جنگید و انتظار هیچ تشکر و سپاسی نداشت و اهدافش در آرامش مردم، حفظ ارزش های دینی-میهانی خلاصه می شد. آنچه، آمریکایی ها نتواستند از پس درک آن برآیند، آگاهی از جایگاه و علاقه‌ی وافر سردار شهید در بین جامعه‌ی ایران بوده است.

حالا، نه تنها جایگاه سردار سلیمانی در خاطره‌ی تاریخی مردم ایران ثبت گردیده بلکه، توانسته است، به اهمیت جایگاه جهاد، مقاومت و ارزش های فرهنگی و دینی جان تازه و روشن ببخشد، با اصول و رویه ای مشخص، هدفمند و متعهد به مسئولیتی که در قبال مردم وجود داشته است، نگاهی شریف و امین، که در بسیاری از مسئولین به چشم نمی آید.



با شاعران



ققنوس وار از دل آتش بر آمدی
آتش گرفتی و به گلستان در آمدی

یک عمر چون نسیم وزیدی و رد شدی
سیل دمادم آمد و تو مثل سد شدی

تا خنجری برآمده آنجا سپر شدی
تو قهرمان ثانیه های خطر شدی

خاری به چشم دشمن بدخواه بوده ای
سریاز عشق در همه های راه بوده ای

ای پله پله ... به میقات رفته تو
سمت حضورروشن اصوات رفته تو

ای آرش زمانه گذشته ز جان شدی
جاری نا مکرر بر هر زبان شدی

وقتی حرامیان به دل شام من زندن
در خیمه های زینبیه گام من زندن

وقتی خلیفه های بدل منتب شدند
دزدان قافله که شریکان شب شدند

آنچه که پیش چشم تمام رسانه ها
خون من چکید از بغل کودکانه ها

مردان کرد و ترک و عرب ذبح من شدند
دوشیزگان که در دل شب ذبح من شدند

خاورمیانه را تب شیطان گرفته بود
هستی دلش ز خلقت انسان گرفته بود

شب های مات و گُنگ سراسر هراس را
آئینه های منفعل از انعکاس را

خورشید تو دوباره به ما جان تازه داد
آیات قدسی ات به من ایمان تازه داد

آه ای شهید زنده درود جهان به تو
پیچیده است نبض زمین و زمان به تو

مام وطن بخارتر تو مowieh من کند
هر مرد و زن بخارتر تو مowieh من کند

دنیا نگاه من کند امشب به ما تو
اقرار کرده که اشهد ان لا اله تو

مهرداد امیدی سراوانی

کسی مانند تو معنا نکرده جانفشان را
نم داند کسی جز تو رموز قهرمانی را

همان سردار بی باک و جلودار سپاهی که
ندیده قرن حاضر اینچنین شیر ژیان را

جهان در نگاهت قدر یک ارزن نمی ارزد
فرو بردی درون وادی حیرت جهان را

برای کشتی طوفان زده راه نجاق نیست
مگر فرماندهی بربا نماید بادبانی را

علاج واقعه قبل از وقوعش را چنین دیدی،
که وسعت داده بودی حیطه های مرزبان را

و خیرالمکرین همواره همراه نبرد بود
که خنثی کرده بودی مکره های ناگهانی را

ندارد بی گمان خاورمیانه مثل تو، حتی
اگر کتمان کند معیارهای پهلوان را

نمیشد در حصار تنگ جسمانی بگنجانی
چنین روح بلند و بی قرار آسمانی را

پر پرواز را یک شب گشودی و سفر کردی
ندیده هر کسی این لحظه های آرمانی را

#بهرام_مزده

از همان لحظه ای که پرپر شد پیکر قاسم سلیمانی
برگ زرین دیگر رو کرد دفتر قاسم سلیمانی

مثل جوی شراب جاری شد بعد از آن در دل خیابان ها
حُم به حُم سینه های لبریز از ساغر قاسم سلیمانی

قطره ها هر کدام رود شدند، رودها هر کدام شدند، رودها هر کدام دریا
جمع شد از سراسر دنیا لشکر قاسم سلیمانی!

... عشق بی حد و بی نهایت بود، شور لبریز از ولایت بود
سوق هر لحظه ای شهادت بود در سر قاسم سلیمانی

در بهشت است و باز دریا را... پیکر پاک ارباً ارباً
دارد اینک تمام دنیا را مادر قاسم سلیمانی!

«یا قدیرالمعین یا الله ... إهزم الظالمین یا الله»*
حالی از ما نمی شود یک دم سنگر قاسم سلیمانی

عشق یک لحظه پس نمی افتد، «ذوالفقار» از نفس نمی افتد
ریشه کرده ست در وجود همه باور قاسم سلیمانی

در نور دیده مرزا را عشق، پیش هم جمع کرده ما را عشق
همه قلب های ماست کنون کشور قاسم سلیمانی!

#رضانیکوکار



با شاعران



این شعله ها قلبی چو ابراهیم میخواهد
این داغ سنگین فرصت تصمیم من خواهد

برداشی ازما نگاه آخریت را
افشا نکردی باز سر دلبریت را

آن صبح جمعه آه دنیا با چه احوالی
برداشت از روی زمین انگشتیت را

آن شب که تو رفته در اوج حریت بودی
من خواب بودم چون تو کوه امنیت بودی

خاک عراق آن صبح یاد کربلا افتاد
یک بار دیگرآتشی در خیمه ها افتاد

یادش می آمد غصه هارا یک به یک باهم
موی پریشان، گوش پاره، زخم ها را هم

یاد دو دستی که ستون خیمه ها میشد
در اوج قدرت بود اگر حتی جدا میشد

یادش می آمد چادر زینب در آتش سوخت
با بوشه هایش زخم های کودکان را دوخت

سردار من تو روی آن خاکی که خونت ریخت
خاکی که دستش را به دور گردند آویخت

میخواست از تو یک غنیمت باز بردارد
از تو سری پیدا نشد بر نیزه بگذارد

دید آسمان آن لحظه زیر بالتان آمد
چون حضرت زهرا به استقبالتان آمد

این داغ هارا رفتن تو تازه تر میکرد
ای کاش می گفتیم از بغداد خون برگرد

با آن نگاه نافذت این غصه را بردار
امشب جهانی را اسیری برده ای سردار!

چندیست می گفتی که بی تاب شهیدای
ماحدسان این بود بیش از این نمی مانی

وقی شهادت هم برایت چون عسل باشد
در جنگها چون قاسی، اما... سلیمانی

حتی در آغوش خدا هم لحظه ی دیدار
دلواپس ما بوده ای سردار ایرانی

#سید زهرا حسینی

بی سیم روشن است
تو حرف من زنی

از شام غریبان کبود کربلا
از مسیر هزاران کبوتر سفید

برکرانه های خیس

مسجد القصی

بی سیم روشن است

و صدای تو پیچیده است

آن زمان که بهمن

از پله های تقویم ایران بالا من رود

آن گاه که دست های اهواز را

محکم گرفته بودی

وقتی که گرگ های حادثه

پیراهن کودکان سوری

را من دریند

فریاد تو

از حافظه سیم های خاردار

رد من شود

و تنها با تو من توان

پای شعر را

به جغرافیای مطمئن تری باز کرد

صدای تو

صدای تو

سلیمانیه را

در آغوش گرفته است

زمان

از تو نمی تواند بگذرد

بی سیم

تا همیشه روشن است ...

#مریم فرج



اسطوره ی عشق و اسوه ی ایمان رفت
بی آن که دمی بیم کند از جان ، رفت

یک عمر ، برای مردم خود جنگید
سردار چه عاشقانه از میدان ، رفت

#وحیده تقی پور

آفتاب افتاده بر سجده بین اینجا شهید آورده اند
میچکد ماه از خجالت بر زمین اینجا شهید آورده اند
بارها در مسلح خون هیبت سردارها بی سر شده است
سالها از اربعین تا اربعین اینجا شهید آورده اند

پشت باورهای ما از زخمهای نابرابر خم شده است
باز از اندیشه تا پای یقین اینجا شهید آورده اند

بارها از هجمه ی خفاشها بر آسمان خون داده ایم
قرنها از شام تا حمام فین اینجا شهید آورده اند
ما صنوبرهایمان در جان مردم ریشه گستردند آی
خانه زاد از لاله دارد دست چین اینجا شهید آورده اند

تحفه ای انگار می آید بهشتی تر کند این خاک را
میرسد وقتی که عطری اینچنین اینجا شهید آورده اند

کربلای میشود دستی که در پای حرم جان میدهد
می تراود روح رب العالمین اینجا شهید آورده اند

ای سر سردارها گرد وطن چرخید اگر تابوت تو
میرسد از ما جوابی آتشین اینجا شهید آورده اند

#معصومه اپروز



فرزنده دلیر شهر کرمان بودی
سردار عزیز خاک ایران بودی

انسانیت تو کوه را لرزانده
معیار کمال هر مسلمان بودی

*
ایمان تو سر لوحه ایران هاست
بی باک تو مرام کرمان هاست

ایران و تمام مردمش میدانند
امنیت ما دست سلیمانی هاست

#فاطمه حبیبی

عطر شهادت

معصومه فرمانی



"برای سلامتی رزمنده های اسلام صلوات بلندی ختم کنین" این را گفت و چادر را به کمرش محکم تر بست و شروع به هم زدن آش کرد، نذر هر سالش بود که آش درست می کرد آن هم ۲۸ صفر و امسال مصادف شده بود با سلامتی دوباره پسر رزمنده مجروحش و پسرش بعد از یک ماه استراحت دوباره شده بود همان رضای سرحال و شوخ، پسرش را دید که لنگان لنگان به ایوان نزدیک می شود گفت: "حاج خانم اینبار برای اینکه دوباره قسمت آقا رضا بشه بره جبهه صلوات بلندتری ختم کنین" و بعد خندید، چشم غره ای به رضا رفت که مگر این مجلس جای این جور مزه پراکنی هاست!؟ و رضا دست روی چشمهاش گذاشت و گفت: "چشم، ما مخلص حاج خانم هم هستیم" و دوباره راهش را گرفت و به سمت اتاق حرکت کرد، دلش طاقت نیاورد رضا را صدا کرد" بیا خودت هم بزن و حاجت رو از صاحب مجلس بخواه."

غروب شده بود و داشت حیاط را جارو می کرد، آقا محسن که از مسجد برگشت خدا قوی گفت و بعد با یک سینی چای آمد روی نیمکت چوبی کنار حیاط نشست "زینب جان بیا برات چای ریختم خستگی در بره" نگاهی به آقا محسن انداخت هنوز مثل جوانی هایش سرزنه بود و کمک حال اهل خانه

- دست درد نکنه آقا شما چرا زحمت کشیدین من میریختم

- این حرف از چیه خانم، صاحب مجلس قبول کنه و حاجت روا بشی انشا الله، خدا رو شکر امسال هم مراسم عالی برگزار شد.

محسن خدا رو شکر کرد و به سمت اتاق حرکت کرد، تلویزیون را روشن کرد اخبار باز هم خوب نبود عراق باز حمله هوایی کرده بود دوباره کلی زخمی و شهید داده بودیم رضا و آقا محسن با ناراحتی به تلویزیون نگاه می کردند. یک هفته به سرعت برق و باد گذشت و رضا کاملاً خوب شده بود مامان زینب می خواست رضا درسش را ادامه بدهد و گاهی در معازه پدرش کمک حالش باشد، چقدر دلش می خواست به وقتی رضا را در لباس دامادی ببیند در همین فکر بود که رضا برگشت خانه، از خوشحالی روی پاهایش بند نبود مجدداً نامه اعزام به جبهه را گرفته بود صورت حاج خانم را بوسید و گفت: "حاجتم رو گرفتم، پس فردا اعزامم" مامان زینب برای لحظاتی به چشم های رضا که از خوشحالی برق می زد خیره شد این پسر ۱۸ ساله اینقدر مصمم برای انجام کاری باشد چقدر زود مرد شده بود، صدای رضا او را به خودش آورد" حاج خانم پس کی غذای ته تغایرت رو آماده می کنی آقا رضا دو سه روزی بیشتر مهمونتون نیستا" انگار بند دلش پاره شده بود چیزی نگفت فقط همانطور که سر سجاده نشسته بود دستهایش را به آسمان بلند کرد و برای سلامتی تمام رزمنده ها دعا کرد، صدای رضا را می شنید که می خواند" ای لشگر صاحب زمان آماده باش، آماده باش، بهر نبردی بی امان آماده باش، آماده باش".

ظهر پنج شنبه بود هوا آفتابی بود میدان پر شده بود از اتوبوس های رزمنده هایی که داشتند به جبهه می رفتند تا از وطنشان در برابر دشمن دفاع کنند، رضا قدم بر پله اتوبوس گذاشت زینب صدایش کرد" مادر جان مواطن پات باش بهش فشار نیاری" ، رضا در حالیکه مثل همیشه لبخند به لب داشت جواب داد" نگران نباش حاج خانم از روز اولشم بهتره".

نمی دانست از کجا اما انگار یکی به او می گفت این خنده رضا را برای همیشه قاب کند و کنج دلش بگذارد. وقتی به خانه برگشتند اصلاً دل و دماغ هیچ کاری را نداشت نهار را کشید خودش به ایوان آمد همه جا بُوی رضا را می داد انگار برای اولین بار بود که از او جدا می شد.

هوا سوز سردی داشت ، پرچم های سیاه قد برافراشته بودند، ماه رمضان بود و به رسم هر سال شب های قدر مراسم و افطاری در منزل آقا محسن برقرار بود، حیاط شلوغ بود و همه در حال کار ، پسر جوان و خوش سیمایی یا الله گفت و وارد حیاط شد سراغ آقا محسن را گرفت، زینب جوان را زیر چشمی پائید آقا محسن روی ایوان گاز خوارک پزی را تعمیر می کرد ، جوان چند کلمه ای را با او حرف زد و بعد انگار که محسن به یکباره سُست شد و روی زمین نشست، نگاهی به محسن انداخت، نگاهی به آسمان، انگار ابرهای بالای سرش هم در آسمان و هم در دلش طوفان به پا کرده بودند، صدای رعد و برق آمد ، باران بارید هم از آسمان هم از چشم های زینب رضا شهید شده بود.



موسسه آموزش عالی جمادا اسلامکاهی رشت

معاونت فرهنگی و دانشجویی



شهید سلیمانی هم در زمان زنده بودنش استکبار را شکست داد،
هم با شهادتش شکست داد. ۱۳۹۹/۰۹/۲۶

خدای متعال در قرآن از زبان مسلمانها میگوید: **بنا الا احدی الحُسَنَیْنِ**،
ما یکی از دو حسنی را داریم؛ حُسنی یعنی بهترین؛ یکی از دو بهترین
را ما داریم. آن دو چه هستند که یکی اش را انسان دارد؟ یکی اش
پیروزی است، یکی اش شهادت است. شهید سلیمانی به هر دو حسنین
رسید؛ هم پیروز شد - چند سال است که در منطقه، پیروز میدان شهید
سلیمانی است، مغلوب میدان، آمریکا و عوامل آمریکاییند؛ در همه‌ی این
منطقه‌ی این جور است - هم به شهادت رسید؛ یعنی خدای متعال کلتا
الحسنین را به این شهید عزیز داد. ۱۳۹۸/۱۱/۲۹



الله زندگاند